

اسلام و تربیت کودکان

تألیف:

آیت الله احمد بهشتی

بازبینی و ویراست:

دکتر سعید بهشتی



شرکت چاپ و نشر بین الملل

نام کتاب: اسلام و تربیت کودک

لف: احمد بهشتی

شرکت چاپ و نشر الملل

نه چاپ: سوم - زمستان ۱۳۹۵

لیتوگراف: چاپ و صحافی: آبی نگار، سپهر

سال: ۱۴۰۰

قیمت: ۱۰۰۰ ریال

صفحه آرای: نادر شالیا

مسئول تولید: سرفراز

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۴۰۷-۷

دفتر مرکزی:

تهران، میدان استقلال، سعدی جنوبی، پلاک ۲،

طبقه سوم

تلفن: ۰۲۱-۳۳۹۳۲۹۵۹

نمابر: ۳۳۱۱۸۶۰۲

فروشگاه مرکزی:

میدان فلسطین، ضلع شمال شرق، پلاک ۴ و ۵

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۳۱۹۸۰

نمابر: ۸۸۹۰۳۸۴۳

Email: intlpub@intlpub.ir

www.intlpub.ir

سرشناسه: بهشتی، احمد، ۱۳۴۰

عنوان و نام پدیدآور: اسلام و تربیت کودک / لفظ: احمد بهشتی

مشخصات نشر: تهران: سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۹۰ و نشر بین الملل، ۱۳۹۰

مشخصات ظاهری: ۷۰۸ ص.

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۴-۴۰۷-۷

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: باین کتاب باز نویسی و تلخیص و تهذیب و تکمیل کتاب «تربیه الاولاد فی الاسلام» به قلم عبدالله ناصح علوان است که با عنوان «چگونه فرزندان خود را تربیت کنیم» توسط نشر احسان منتشر شده است.

چگونه فرزند خود را تربیت کنیم

عنوان دیگر: اسلام و آموزش و پرورش

موضوع: تربیت خانوادگی (اسلام)

موضوع: والدین و کودک (اسلام)

موضوع: اسلام و خانواده

موضوع: بهشتی، سعید، ۱۳۴۲، مترجم

شناسه افزوده: علوان، عبدالله ناصح، تربیه الاولاد فی الاسلام

شناسه افزوده: سازمان تبلیغات اسلامی، شرکت چاپ و نشر بین الملل

شناسه افزوده: ۱۳۹۰ الف ب ۹ ب ۳۳۰/۱۸ BP

رده بندی کنگره: ۴۹۷/۴۸۳۷

رده بندی دیویی: ۲۲۹/۱۹۹۹

شماره کتابشناسی ملی: ۲۲۹/۱۹۹۹

همه حقوق محفوظ است. هرگونه نسخه برداری، اعم از زیراکس و بازنویسی، ذخیره ی کامپیوتری اقتباس کلی و جزئی (به جز اقتباس جزئی در نقد و بررسی، اقتباس در گیومه در مستند نویسی و مانند آنها) بدون مجوز کتبی از ناشر ممنوع و از طریق مراجع قانونی قابل پیگیری است.

فهرست مطالب

۱. پیشگفتار..... ۱

□ بخش اول: زناشویی، فرزندداری، و تربیت

۹	زناشویی..... فطرت
۱۲	زناشویی..... مصالح اجتماعی
۱۲	۱. حفظ نوع.....
۱۲	۲. حفظ نسب.....
۱۳	۳. جلوگیری از انحطاط اخلاقی.....
۱۳	۴. جلوگیری از بیماری‌ها.....
۱۳	۵. انس و آرامش روان.....
۱۴	۶. تعاون.....
۱۴	۷. شکوفایی عواطف.....
۱۵	۸. سلامت جسم و جان.....
۱۶	زناشویی و انتخاب.....
۱۶	۱. انتخاب براساس دین.....
۱۹	۲. شرافت خانوادگی.....
۲۰	۳. خویشتاوند نبودن.....
۲۱	۴. برتری دوشیزگان.....
۲۲	۵. زن زایا.....
۲۴	زناشویی و فرزندداری.....
۲۵	۱. محبت فطری.....
۲۷	۲. رحمت و مهربانی.....
۲۸	کینه عرب جاهلی به دختر.....
۳۱	۳. مرگ فرزندان.....

۳۳	۴. مصلحت اسلام
۳۵	۵. مجازات فرزند
۳۹	۶. احکام نوزاد
۳۹	الف) هنگام تولد
۴۴	ب) نام‌گذاری
۴۸	ج) عقیقه
۵۱	د) ختنه
۵۴	زناشویی و انحرافات
۵۴	۱. فقه
۵۷	۲. اختلافات خانواده
۵۷	۳. طلاق و بی‌ایمانی
۶۳	۴. نداشتن سرگرمی
۶۵	۵. معاشرت‌ها و رفاقت‌ها
۶۷	۶. رفتار نادرست والدین
۶۸	۷. داستان‌ها و فیلم‌های جنایی و سبک
۷۰	۸. شیوع بطلالت و بیکاری
۷۳	۹. تخلف والدین
۷۵	۱۰. مصیبت یتیمی

□ بخش دوم: مسئولیت‌های تربیتی مسلمانان

۸۳	مسئولیت تربیت ایمانی و اعتقادی
۸۷	۱. شناخت خدا از راه مطالعه در اسرار آفرینش
۸۹	۲. پرورش خشوع و تقوی و بندگی
۹۱	۳. توجه به خدا در همه حالات
۹۶	مسئولیت تربیت اخلاقی
۹۹	۱. دروغ
۱۰۰	۲. دزدی
۱۰۱	۳. دشنام

۱۰۳	۴. بی‌بندوباری و روابط نامشروع.....
۱۰۳	الف) برحذر داشتن از تقلید کورکورانه.....
۱۰۴	ب) برحذر داشتن از غوطه‌ور شدن در ناز و نعمت.....
۱۰۵	ج) بازداشتن از موسیقی‌ها و آهنگ‌های مضر.....
۱۰۶	د) جلوگیری از تشبّه به زنان یا مردان.....
۱۰۷	ه) جلوگیری از جلوه‌گری و اختلاط و چشم‌چرانی.....
۱۱۵	مسئولیت تربیت بدنی.....
۱۱۷	۱. تأمین خوراک و پوشاک.....
۱۱۸	۲. رعایت بهداشت.....
۱۱۹	۳. دور نگه‌داشتن کودک از بیماری‌های مسری.....
۱۱۹	۴. درمان بیماری‌ها.....
۱۲۰	۵. رعایت قاعده «لاسر».....
۱۲۲	۶. توصیه به بازی‌های ورزشی.....
۱۲۳	۷. کودک را باید به زهد و ترک تنبغات داد.....
۱۲۵	۸. کودک را باید اهل کوشش و تلاش بار آورد.....
۱۲۶	پدیده‌هایی که باید با آنها مبارزه کرد.....
۱۲۶	۱. اعتیاد به دخانیات.....
۱۲۶	الف) مضرات اعتیاد.....
۱۲۷	ب) ضرر و زیان مالی.....
۱۳۰	۲. پدیده جلق.....
۱۳۰	مضرات جلق.....
۱۳۵	۳. مسکرات و مواد مخدر.....
۱۳۵	الف) ضررهای بهداشتی.....
۱۳۵	ب) زیان‌های اقتصادی.....
۱۳۶	ج) زیان‌های روانی و خلقی و اجتماعی.....
۱۳۶	د) حرمت شرعی.....
۱۳۸	ه) راه‌های درمان.....
۱۳۹	۴. روابط نامشروع جنسی.....

۱۴۰	 (الف) مضرات
۱۴۱	 (ب) دیدگاه اسلام
۱۴۴	 (ج) راه علاج
۱۴۹	 مسئولیت تربیت عقلی
۱۴۹	 ۱. تعلیم چگونه باید باشد؟
۱۶۰	 ۲. تعلیم کودک چگونه باید باشد؟
۱۷۳	 ۳. آگاه و رشد فکری چگونه باید باشد؟
۱۸۰	 ۴. سلاطین عقل
۱۸۲	 مسئولیت تربیت عاطفی
۱۸۲	 ۱. پدیده حجاب
۱۸۷	 ۲. فرق حیا و عفت
۱۸۸	 ۳. پدیده ترس
۱۹۳	 ۴. پدیده حقارت
۱۹۴	 (الف) تحقیر و اهانت
۱۹۶	 (ب) ناز کردن و ناز خریدن بی جا
۲۰۳	 (ج) فرق گذاشتن و تبعیض قائل شدن میان فرزندان
۲۰۵	 (د) نقص عضو
۲۰۸	 (ه) یتیمی
۲۰۹	 (و) فقر
۲۱۴	 ۴. پدیده حسد
۲۱۵	 (الف) اسباب حسد
۲۱۵	 (ب) راه های درمان حسد
۲۱۸	 ۵. پدیده خشم
۲۲۴	 مسئولیت تربیت اجتماعی
۲۲۵	 ۱. آموزش اصول ارزشمند روانی
۲۲۵	 (الف) تقوا
۲۲۷	 (ب) برادری
۲۲۸	 (ج) رحم

۲۲۹	 (د) اینار
۲۳۱	 (ه) عفو
۲۳۳	 (و) شجاعت
۲۳۶	 ۲. مراعات حقوق دیگران
۲۳۷	 (الف) حق پدر و مادر
۲۴۵	 (ب) حق اولاد
۲۴۶	 (ج) حق خویشاوندان
۲۴۸	 (د) حق همسایه
۲۵۴	 (ه) حق معلم
۲۶۱	 (و) حق متعلم
۲۶۴	 (ز) حق رفیق
۲۷۰	 (ح) حق بزرگ بر
۲۷۳	 (ط) حق زن و شوهر
۲۷۵	 ۳. التزام به آداب اجتماعی
۲۷۵	 (الف) آداب خوردن و آشامیدن
۲۷۸	 (ب) آداب سلام
۲۸۱	 (ج) آداب اجازه گرفتن برای ورود
۲۸۳	 (د) آداب مجالست
۲۸۵	 (ه) آداب سخن گفتن
۲۸۸	 (و) آداب مزاح
۲۹۰	 (ز) آداب تبریک و تهنیت
۲۹۳	 (ح) آداب عیادت بیمار
۲۹۵	 (ط) آداب تسلیت گفتن
۲۹۷	 (ی) آداب عطسه
۳۰۰	 ۴. امر به معروف و نهی از منکر
۳۰۴	 (الف) شماری از اصول حاکم بر امر به معروف و نهی از منکر
۳۱۱	 (ب) الهام جستن از روش گذشتگان

۳۱۹	 مسئولیت تربیت جنسی
۳۱۹	 ۱. آداب اذن گرفتن
۳۲۱	 ۲. آداب نگاه کردن
۳۲۱	 الف) آداب نگاه کردن به محارم
۳۲۳	 ب) آداب خواستگاری
۳۲۴	 ج) نگاه به همسر
۳۲۴	 د) نگاه به زن نامحرم
۳۲۶	 هـ) نگاه مرد به مرد
۳۲۷	 و) نگاه زن به زن
۳۲۷	 ز) نگاه زن مسلمان
۳۲۸	 ح) نگاه اوست
۳۲۹	 ط) نگاه زن به مرد اجنبی
۳۳۰	 ی) نگاه به عورت صغیر
۳۳۱	 ک) نگاه کردن در حال ضرورت
۳۳۳	 ۳. دور نگاه داشتن طفل از تحریکات جنسی
۳۳۵	 الف) جنبه داخلی
۳۳۶	 ب) جنبه خارجی
۳۴۵	 ۴. دادن آگاهی‌ها و بصیرت‌های لازم
۳۴۶	 الف) صهیونیزم و فراماسون
۳۴۶	 ب) استعمار و صلیبیزم
۳۴۷	 ج) کمونیزم و مذاهب ماده‌گرا
۳۴۷	 ۵. برشمردن خطرهای و گرفتاری‌ها
۳۴۸	 الف) خطرات بهداشتی
۳۴۸	 ب) خطرات و عوارض روانی و اخلاقی
۳۴۹	 ج) خطرهای اجتماعی
۳۵۰	 د) خطرات اقتصادی
۳۵۰	 هـ) خطرهای دینی و اخروی
۳۵۱	 ۶. تحکیم روابط اصیل و سازنده

۳۵۲	۷. آموزش احکام بلوغ به کودک
۳۵۴	۸. ازدواج و پیوند زناشویی
۳۶۳	۹. استعفاف برای جوانان
۳۷۰	۱۰. کودک و طرح مسائل جنسی
۳۷۳	سخنی با مربیان
۳۷۶	حُسن ختام

□ بخش سوم: راه‌های مؤثر تربیت

۳۸۳	تربیت از «الگو»
۴۰۴	تربیت از راه عادت
۴۱۲	تربیت از راه موعظه
۴۱۴	۱. نگاهی به روش‌های آن در زمینه موعظه
۴۱۴	الف) استفاده از خبایثات نه‌کننده
۴۲۰	ب) بازگفت قصه‌ها و داستان‌ها، حکمت‌آمیز و پندآموز
۴۲۲	ج) توصیف‌های همراه با سفارش‌ها و وعظه‌های حکیمانه
۴۲۸	۲. نگاهی به روش‌های پیشوایان دینی در زمینه موعظه
۴۲۹	الف) استفاده از روش داستان‌گویی
۴۳۱	ب) استفاده از روش پرسش و پاسخ
۴۳۱	ج) استفاده از روش تمثیل
۴۳۱	د) استفاده از روش سوگند
۴۳۲	ه) استفاده از مزاح
۴۳۲	و) استفاده از موعظه‌های کوتاه
۴۳۳	ز) استفاده از موعظه‌های اثربخش
۴۳۳	ح) موعظه از راه تجسم
۴۳۴	ط) موعظه از راه تصویر
۴۳۴	ی) روش بهره‌گیری از فرصت‌ها
۴۳۵	ک) روش جلب توجه به امور مهم‌تر
۴۳۶	ل) روش بازداشتن از محرّمات از راه برانگیختن نفرت

۴۳۷	تربیت از راه مراقبت
۴۴۰	مراقبت و توجه پیامبر به زنان
۴۴۶	تربیت از راه تنبیه و کیفر
۴۴۶	۱. حدود
۴۴۹	۲. تعزیرات
۴۵۱	۳. دیه
۴۵۲	۴. ضمان

□ بخش چهارم: قواعد اساسی تربیت

۴۶۳	صفات اصلی مرتب
۴۶۳	۱. اخلاص
۴۶۴	۲. تقوا
۴۶۵	۳. علم
۴۶۷	۴. حلم
۴۶۸	۵. احساس مسئولیت
۴۷۱	نظری به برنامه‌های مخرب
۴۷۱	۱. برنامه‌های کمونیسم
۴۷۴	۲. توطئه‌های صلیبیون
۴۷۴	الف) غلبه بر قدرت حکومتی مسلمانان
۴۷۵	ب) محو و نابودی قرآن
۴۷۶	ج) نابودکردن اندیشه اسلامی و قطع پیوند مسلمانان با خدا
۴۷۷	د) تفرقه افکنی در میان مسلمانان
۴۷۸	ه) به فسادکشیدن زن مسلمان
۴۷۹	۳. توطئه‌های صهیونیسم و فراماسونری
۴۸۱	۴. توطئه‌های استعمار
۴۸۳	قواعد اساسی تربیت فرزندان
۴۸۳	۱. قاعده ارتباط
۴۸۴	الف) ارتباط اعتقادی

۴۸۴	ب) ارتباط روحی
۴۹۰	ج) ارتباط فکری
۴۹۲	د) ارتباط اجتماعی
۵۰۵	۲. قاعده تحذیر
۵۱۹	توضیحاتی دربارهٔ محرمات
۵۱۹	الف) خوردنی‌ها و نوشیدنی‌های حرام
۵۲۰	ب) پوشیدنی‌های حرام
۵۲۲	ج) گرایش‌های حرام جاهلیت
۵۲۳	۱۰. کب‌های حرام
۵۲۵	۱۱. خودداری از آداب و سنن ناپسند

بخش پنجم: رهنمودهای مهم تربیتی

۵۳۱	تشویق کودک به شریف‌ترین کسب
۵۳۵	رعایت نیازها و استعدادهای کودک
۵۳۷	آزادگذاشتن کودک برای بازی و سرگرمی
۵۴۰	هماهنگی میان خانه و مسجد و مدرسه
۵۴۵	ارتباط تنگاتنگ میان مربی و کودک
۵۵۲	رعایت دائمی راه و رسم تربیت
۵۷۳	تهیهٔ وسایل مفید فکری و علمی برای کودک
۵۷۶	تشویق کودک به مطالعه
۵۹۳	پرورش حس مسئولیت در کودک
۶۰۳	تعمیق روح جهاد در وجود کودک

بخش ششم: تربیت کودکان بی سرپرست و یتیم

۶۲۳	کودکانی که پدر از دست داده‌اند
۶۲۴	ازدواج امیرالمؤمنین و اسما
۶۳۱	کودکانی که مادر از دست داده‌اند
۶۳۴	قربانیان طلاق

- کودکانی که هم پدر و هم مادر را از دست داده‌اند. ۶۴۰
۱. کودکان سرراهی ۶۴۰
۲. کودکان غیر سرراهی ۶۴۰

□ بخش هفتم: تربیت کودکان استثنایی

- مقدمه. ۶۵۱
- عقب‌ماندگان ذهنی ۶۵۹
۱. شناسایی عقب‌ماندگان ذهنی ۶۵۹
۲. راه‌های مبارزه ۶۶۰
۳. طبقه‌بندی کودکان عقب‌مانده ذهنی ۶۶۴
- الف) افراد دیرآموز ۶۶۴
- ب) افراد آموزش‌پذیر ۶۶۷
- ج) افراد تربیت‌پذیر ۶۶۹
- د) افراد حمایت‌پذیر ۶۷۰
- تیزهوشان ۶۷۲
- آموزش و پرورش تیزهوشان ۶۸۲
- کودکان نابینا و نیمه‌بینا ۶۸۶
- کودکان ناشنوا و نیمه‌شنوا ۶۸۸
- کودکانی که نقص گویایی دارند ۶۸۹
- کودکان ناسازگار ۶۹۰
- کتابنامه ۶۹۲

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحيم

الْحَمْدُ لِلَّهِ سَمَّيْ لِخَلْقِهِ بِخَلْقِهِ، وَالظَّاهِرِ لِقُلُوبِهِمْ بِحُجَّتِهِ... إِخْتَارَهُ مِنْ شَجَرَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَمَشْكَاةِ الضِّيَاءِ... نَبِيٍّ دَوَّارٍ بِطَبِّهِ، قَدْ أَحْكَمَ مَرَاهِمَهُ، وَأَحْمَى مَوَاسِمَهُ، يَضَعُ ذَلِكَ حَيْثُ الْحَاجَةُ إِلَيْهِ: مِنْ قُلُوبٍ عُمَى، إِذَا نِ أَمَّ، وَالسِّنَّةِ بِكُمْ... قَدْ انْجَابَتِ السَّرَائِرُ لِأَهْلِ الْبَصَائِرِ، وَوَضَحَتِ مَحَجَّةُ الْحَقِّ لِخَائِبِطِهَا.^۱

ستایش خدای را که با آفرینش خویش برای آفریدگان متجلی شده است و با حجت خویش برای دل‌هایشان ظهور کرده است... پیامبرش را از شجره انبیاء و از مشکات نور و ضیاء برگزید... او طبیبی بود که با طبیب (پیشانی) خویش (در میان مردم) می‌چرخید، او مرهم‌ها را محکم و ابزارها را آماده کرده بود تا هر چه که دلی کور، و گوشی کر و زبانی لال بود، آنها را به کار گیرد... با تلاش او بود که برای اهل بصیرت، حقایق آشکار و برای آنهایی که راه را گم کرده بودند، راه حق، روشنی یافت.

در فرازی که از سخنان مولا آوردیم، دو مطلب مهم، جلب توجه می‌کند: یکی درمان ارواحی که از تشخیص حق بازمانده و دچار کوردلی شده‌اند. اینان گوس شنوا ندارند و از شنیدن حق عاجز و ناتوانند و طبیعی است که زبان آنها هم لال است و حقیقت بر آن جاری نمی‌شود. دیگری پیش‌گیری، یعنی قبل از آن که روح انسان تحجر یابد و دل و گوش و زبان، کور و کر و لال شود، به سراغش می‌روند و حقیقت را برایش آشکار و راه حق را وضوح می‌بخشند.

این هر دو کار، وظیفه اصلی همه انبیاء، به ویژه پیامبر خاتم است و ما آن را تعلیم و تربیت می‌نامیم.

از نام کتاب برمی‌آید که در ارتباط با کودکان، تنها از روش پیش‌گیری استفاده می‌شود؛ چرا که به تعبیر امام علی علیه السلام دل کودک، مانند زمین بکری است که در آن بذری کاشته نشده و آماده پذیرش هر بذر و دانه‌ای است؛ اعم از این که همچون خردل کشنده باشد یا همچون حبوبات و غلات حیات بخشد؛ ولی محور بحث‌های کتاب هم پیش‌گیری و هم درمان است؛ هرچند که مباحث مربوط به پیش‌گیری غالب است.

همان‌طوری که کودکان در برابر تربیت صحیح، واکنش مثبت نشان می‌دهند و پویانده راه کمال می‌شوند، در برابر تربیت غلط هم بدون درنگ تسلیم می‌شوند و آثار شوم آن را در وجود خود سرکشی می‌سازند. مربی ایده‌آل آن کسی است که هم این کودکان را درمان کند و هم کودکان دیگر را در مسیری قرار دهد که بدون سقوط یا رکود، در راه تکامل گام بردارند.

پیامبران و فرستادگان خدا با دگرگونی رویه‌رو بودند:

یکی آنهایی که با بیماری مزمن در دل دست و پنجه نرم می‌کردند و در نتیجه، نه چشم حقیقت‌بین داشتند و نه گوش سیاه‌شنو و نه زبان حقیقت‌گو. معالجه اینها دشوار یا محال بود. همان‌طوری که برخی از بیماری‌های مزمن جسمی به مرهم و کارد جراحی و بریدن و سوزاندن نیاز دارد، برخی از بیماری‌های مزمن روحی هم - به تعبیر امام علی علیه السلام - مرهم و موسم می‌خواهد؛ چرا که جراحی آن - حقیق و زخم آن، متعفن و شکستگی آن، موخش و کشنده است و اگر ماده آن سوزاند - بپایده نشود و با مرهم سوزنده و گدازنده، ریشه‌کن نگردد، هستی انسان - یعنی انسانیت را - بر باد می‌دهد و از او موجودی می‌سازد مسخ شده، که صورتش صورت آدمی و سیرتش سیرت درندگان خونخوار است.

دیگری آنهایی که هنوز قلبشان به زنگار گناه، سیاه نشده بود. آنهایی که بصیرت داشتند، ولی به خاطر نداشتن راهنما، راه نیافته بودند. اینان جستجوگر بودند و اگر نبودند، بدین لحاظ بود که در جهل بسیط به سر می‌بردند.

مناسب است در اینجا از یکی از داستان‌های تاریخ اسلام الهام بگیریم.

جنگ بدر - که نخستین جنگ اسلام و شرک بود - با پیروزی درخشان مسلمانان و شکست شدید مشرکان پایان یافته بود. روزی عمیر بن وهب جمحی و صفوان در حجر اسماعیل نشسته بودند و با هم از ننگی که دامنگیرشان شده بود، درد دل می‌کردند. صفوان گفت: بعد از کشتگان بدر، خیری در زندگی نیست. عمیر - که پسرش اسیر شده بود - گفت: اگر قرض نداشتم و نگران فقر و بدبختی عائله‌ام نبودم، به مدینه می‌رفتم و محمد ﷺ را می‌کشتم. صفوان گفت: من دین تو را ادا می‌کنم و کفالت عائله‌ات را همچون ناله خودم برعهده می‌گیرم. عمیر خوشحال شد و بدون این که راز خود را به کسی بگوید، با شمشیر زهرآلود راه مدینه را در پیش گرفت و خود را به آنجا رسانید.

اصحاب که رسوا و سوء او خبر داشتند، او را دستگیر کردند و به محضر پیامبر بردند. چون به محضر آن بزرگوار بار یافت، به رسم جاهلیت، ادای احترام کرد. پیامبر خدا فرمود: خدای متعالی را به نیحی بهتر از تحیت تو اکرام کرده است. تحیت ما سلام، یعنی تحیت اهل بهشت است.

سپس از او سؤال کرد: شمشیر را برای چه می‌خواهی؟ راست بگو. گفت: به خاطر اسیرم آمده‌ام و هیچ غرضی ندارم. آن‌گاه پیامبر اکرم ﷺ همه آنچه در حجر اسماعیل میان او و صفوان گذشته بود، برایش بیان کرد. این امر - به آن مرد گمراه و فریب‌خورده - که هنوز گرفتار بیماری مؤمن کوردلی نشده بود - از حربه غفلت بیدار شد و گفت: هیچ کس از راز من و صفوان خبر نداشت. جز خدا هیچ کس را آگاه نداده است. شهادت می‌دهم که تو فرستاده خدایی. خدا را حمد می‌کنم که مرا به دین اسلام هدایت کرد. پیامبر خدا ﷺ دستور داد که به او احکام دین آموخته شود. آن‌گاه اجازه خواست که به مکه بازگردد و مردم را به راه راست فراخواند.

صفوان همواره چشم به راه و منتظر شنیدن خبر تازه بود و از هر کاروانی که از مدینه می‌آمد، سراغ عمیر را می‌گرفت. هنگامی که شنید عمیر بازگشته و به دعوت مردم به یکتاپرستی پرداخته، تصمیم گرفت که با او سخن نگوید. وی که با جرقه‌ای از ضیاء

۱. عرب جاهلی می‌گفت: «أنعم صباحاً». سلام، سنت پسندیده اسلام است که متأسفانه برخی از مسلمانان کنونی ما به جای سلام می‌گویند: «خسته نباشید». این جمله تقریباً معادل همان جمله عرب جاهلی است.

ایمان، قلبش روشن شده بود، توانست عده قابل توجهی از مردم مکه را به راه راست هدایت کند.^۱

غالب کودکان در محیط خانواده یا محیط کودکان و مدرسه هنوز از لحاظ اعتقادی و اخلاقی شکل نگرفته‌اند. مربی صالح به راحتی می‌تواند به زندگی و شخصیت آنها شکل بدهد و از آنها انسانی مؤمن و خلیق بسازد. کودکانی هم هستند که در محیط خانواده یا کودکان و مدرسه، به وسیله اولیاء خویش، شاکله‌ای منفی یافته‌اند و اگر به حال خود رها شوند به همان بیماری مزمن کوردلی مبتلا می‌شوند که نه با گوش خود، حقیقت را می‌شنوند و نه با زبان خود، حقیقت را می‌گویند.

امروزه غیر از فضای خانواده و کودکان و مدرسه، فضای دیگری باز شده که بسیار گسترده و رایج است. این فضا، فضای منحوس دنیای اینترنت است. در این فضا، ممکن است چنان نوبیگران، گمراه‌سازان و سرگردان شوند که هرگز راه نجاتی به رویشان باز نشود. در عین حال نباید بیکار نشست و باید مایوس بود؛ چرا که هیچ پدیده‌ای نیست که ضد نداشته و قابل دفع نباشد.

اکنون شرایط به گونه‌ای عجیب تغییر کرده است. محیط ما با محیط عصر رسالت به لحاظ عوامل منفی و مخرب، تفاوت‌های قابل ملاحظه و پراهمیتی دارد. شبکه‌های ماهواره‌ای و اینترنتی همه دنیا را به صورت یک شبکه، بلکه به صورت یک خانواده درآورده است. تمام جریانات فرهنگی و غیراخلاق و فساد، کودکان و نوجوانان را هدف قرار داده‌اند. اینها به طرز عجیب و ماهرانه‌ای میان والدین و فرزندان جدایی انداخته‌اند، به طوری که امروز سهم بزرگترها که باید الگو و اسما را مؤثر در سرنوشت کوچکترها باشند، به صفر رسیده است.

اینها آیه یأس نیست. اینها هشدار است. می‌خواهیم بگوییم: تکلیف بزرگترها ساقط نشده، بلکه سنگین‌تر شده است. در محیط آلوده به ویروس و میکروب، نباید مردم را از زندگی مایوس و مرگ را برای آنها حتمی شمرد، بلکه باید آنها را تعلیم داد که چگونه سلامت خود را حفظ کنند و اگر لازم شد، باید آنها را واکسینه کرد.

اگر حفظ سلامت و سعادت نسل نخواستیم محال و ممتنع بود، خدای متعال به

مؤمنان نمی‌گفت: «قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ خود و بستگانتان را از آتش حفظ کنید». هیچ حکیمی تکلیف به محال نمی‌کند، تا چه رسد به این که تکلیف‌کننده خدای متعال باشد که حکیم‌تر از همه حکیمان، بلکه خالق حکماء است. کتاب و سنت ما مسلمانان، پر است از رهنمودهای تربیتی و تبیین راهکارهای اخلاقی. پیامبر و ائمه ما زحمات تبلیغی و تربیتی انبیاء گذشته را تتمیم و تکمیل کردند. این چهره‌های نورانی و فرورفته در هاله عصمت، علماً و عملاً، اسباب هدایت و رشد و تکامل امت را فراهم کردند. علمای دینی با استفاده از رهنمودهای قرآنی و توصیه‌های پیامبرانه و ائمه‌ان پیشویان حقیقی، کتب بسیاری پرداخته‌اند که البته سعی‌شان مشکور و ارشان موفور است. امروز هم باید به زبان روز، و هم با توجه به مشکلات روزافزون خدمات و زحمات آنها استمرار یابد.

کتابی که اکنون پیش و آید، بیست سال پیش چاپ و منتشر شده و اینک بار دیگر، به زیور طبع، آراسته و به بازار سابض می‌شود. انگیزه نگارش این کتاب را نویسنده کتاب «تربیه الأولاد فی الاسلام»^۱ به وجود آورد. متأسفانه، نام زیبای کتاب با محتوای کتاب، همخوانی نداشت؛ چرا که نویسنده فاضل آن، تربیت او را در موارد بسیاری از امویان و عباسیان جستجو کرده بود؛ با این که اهل انصاف، معتقدند که اسلام آنها اسلام ناب نبوده و اگر کسی حقیقتاً می‌خواهد بیانگر قواعد تعلیم و تربیت اسلامی باشد، باید از وحی آسمانی و سنت ناب پیامبر و اهل بیت عصمت و طهارت استفاده کند؛ نه از رهنمودهای بنی‌امیه و بنی‌عباس. اینجانب بر آن شدم که با الهام از جنبه‌های مثبت کتاب مزبور و حذف جنبه‌های منفی و تکراری آن و با استفاده کلان از روایات معتبر پیامبر و آل او، کتاب حاضر را به نگارش درآورم. بی‌مناسبت نیست بگویم که کاری که نگارنده روی کتاب «تربیه الأولاد

۱. تحریم ۶۱.

۲. عبدالله ناصح علوان متولد سال ۱۹۲۸ در حلب، فارغ‌التحصیل دانشگاه الازهر است. او به سال ۱۹۴۵ در زمان ریاست جمهوری جمال عبدالناصر از مصر اخراج شد و نتوانست دوره دکتری را به اتمام برساند. او پس از بازگشت به حلب، به تدریس درس دینی و تبلیغ و تألیف پرداخت. وی کتب متعددی تألیف کرده است.

فی الاسلام» کرده‌ام، شبیه کاری است که مرحوم فیض کاشانی روی کتاب «احیاء العلوم» غزالی انجام داده است.

فیض معتقد است که غزالی «احیاء العلوم» را در زمانی نوشته که هنوز به مقام شامخ ائمه اطهار پی نبرده و مستبصر نشده بوده است و به همین جهت، کتابش بر اصول عامی فاسد و بدعت‌های کاسد - به ویژه در فن عبادات - مبتنی بوده و روایاتش را از کسانی نقل کرده است که به دروغ و افتراء شهرت داشته‌اند. حکایات کتاب هم خرافاتی بوده که از ارباب خانقاه نقل شده و عقل آنها را تأیید نمی‌کرد، از این رو وی به تهذیب کتاب پرداخته و آن را با روایات اهل بیت و اصول اصیل و محکم مزین ساخته است.^۱

امید است که حلوان هم به همان جایی که غزالی رسید، رسیده باشد.

با توجه به آنچه گفته شد، خواننده گرامی توجه دارد که کتاب آقای حلوان یک منبع از منابع این کتاب است و همین جهت، هر حدیث یا حکایتی که مأخذ آن در پاورقی‌ها نیامده، از آن کتاب است و البته اگر اکنونی مجالی بود برای رجوع به منابع و مأخذ دست اول و یافتن آنها، بسیار به‌جا بود، ولی نگارنده در حال حاضر، از انجام این کار معذور است.

در اینجا از فرزند عزیزم دکتر سعید بهشتی که در تهیه برخی از مطالب چاپ اول کتاب مساعدت کرده و اینک نیز در چاپ بندها با ارزیابی و اصلاح و ویراست دقیق مطالب و مباحث و بخش‌بندی‌ها و فصل‌بندی‌ها و تجدید، کتاب را سامانمندتر و جذاب‌تر نموده است، تشکر و قدردانی به عمل می‌آورم. همچنین از کارگزاران خدوم شرکت نشر بین‌الملل که اقدام به طبع مجدد این کتاب کرده‌اند، عمیقانه سپاسگزارم.

احمد بهشتی

حوزه علمیه قم، تیرماه ۱۳۸۸

۱. نگ: الحجة البيضاء فی تهذیب الاحیاء، ج ۱، ص ۲۰ (دفتر انتشارات اسلامی، چاپ سوم، تصحیح علی اکبر غفاری، ۱۳۸۳ق).